

بررسی و تحقیق در حسابداری در صنعت بانکداری

فرزانه نوری کوهانی ، جواد شفاانی

موسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی استان اصفهان farzanehnoori6@gmail.com

دانشگاه آزاد اسلامی واحد مبارکه javad.shafaie@yahoo.com

چکیده

صنعت بانکداری یکی از مهم ترین بخش های هر اقتصادی محسوب می شود. زیرا بانک ها به عنوان واسطه منابع پولی در کنار بورس و بیمه از ارکان اصلی بازار های مالی شمرده میشوند. بانکداری در اقتصاد ایران از اهمیت بیشتری برخوردار است زیرا به دلیل توسعه نیافتن بازار سرمایه در حد لازم در عمل این بانک ها هستند که عهده دار تامین مالی بلند مدت میباشند. بانکها مهمترین شریان پولی هر کشوری هستند گزارشگری آنها علاوه بر سرمایه گذاران و سپرده گذاران از دید تصمیمات کلان اقتصادی بسیار مهم است و مهم ترین عامل در گزارشگری مبنای اندازه گیری است و عملکرد هر واحد اقتصادی و مدیران آنها بر اساس گزارشگری آنها سنجیده میشود. بانک ها دارای مشخصه های چون قدرت نفوذ بسیار بالا نسبت به دیگر شرکت ها و اداره ی متفاوت نسبت به شرکت های غیر مالی و با درجه بالاتری از اطلاعات نامعلوم نسبت به دیگر شرکت ها عمل می کنند.

لذا با وجود این درجه از اهمیت صنعت بانکداری و حسابداری در این صنعت انجام تحقیقات حسابداری در صنعت بانکداری و بررسی پژوهش های صورت گرفته در این زمینه را بیش از پیش می طلبد، که ما در این پژوهش به دنبال گردآوری و بررسی برخی از این تحقیقات صورت گرفته می باشیم.

کلمات کلیدی

صنعت بانکداری، تحقیق حسابداری، ریسک پذیری، ارزش منصفانه، حسابرسی

۱-مقدمه

صنعت بانکداری برای اقتصادهای ملی و جهانی بسیار مهم است. بانک ها برای گردش اقتصاد داخلی کشور در نقش خود به عنوان موسسات سپرده گذاری و وام دهندگان هم برای شرکت و هم برای افراد حیاتی هستند برای مثال Fields و همکارانش، تخمین زدند که بانک ها نماینده بیش از ۲۰٪ سهام عمومی سرمایه گذاری در بازار ایالات متحده هستند.

در مقایسه با شرکت های صنعتی، شرکت ها در صنعت بانکداری مشخصه های زیادی دارند که برای تحقیق جالب هستند. اولاً، بانک ها قدرت نفوذ بسیار بالا و غیر معمولی نسبت به دیگر شرکت ها دارند، نسبت قدرت نفوذ در بخش بانکی بیش از ۹۰٪ گزارش شده است. با بکار گیری مدل جبری، Stulz و DeAngelo (۲۰۱۵) نشان دادند که چرا اهرمی بودن برای بانک ها مهم است. در مدل آنها، قدرت نفوذ بالا بانک نتیجه خطر اخلاقی، مالیات یا هر تعریف مرتبط با نفوذ بالا در مدل Miller و Modigliam (۱۹۵۸) نیست. در یک تدوین مطلوب بدون هر تحریفی، تنها محرک بانک برای موضوع وام، ارزش تولید شده توسط سرویس تقاضا برای ادعاهای امن ارزشمند اجتماعی است.

دوماً، بانک ها ساختار اداری متفاوتی نسبت به شرکت های غیرمالی دارند. Strahan و Kroszner (۲۰۰۱) فهمیدند که بانک ها در سال ۱۹۹۲، هیئت مدیره کاملتر و بخش کمتری از کارمندان داخلی نسبت به شرکت های غیر مالی داشت. همچنین Adams، گزارش هیئت مدیره مستقل و بزرگ بانک ها را نسبت به هیئت مدیره شرکت های غیر مالی در بانک اطلاعاتی Risk metric از شرکت های S&P 1500 از سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۷ ارائه داد. به هر حال پیشنهادهای اخیر برای چگونگی اداره بانکی، مانند پیشنهادی که بوسیله Walker بوجود آمد، پیشنهاد داد که ساختارهای حکومت بانکی بدلیل تفاوتشان با شرکت های غیر مالی ناکارآمد و بی اثر هستند. چگونگی اداره بانک جاری هم همچنین برای مسئولیت پذیری در قبال بخش کاملی از بحران رهن فاقد اعتبار متهم میباشد. سوماً، بانک ها با درجه بالاتری از اطلاعات نامعلوم نسبت به دیگر شرکت ها عمل می کنند. عملیات و محصولات بانک ها پیچیده هستند که تفسیر آن برای ارزیابی ریسک اوراق بهادار بزرگ و متنوع یا دیگر ابزار مالی، مستقل است. با توجه به این دشواری ها، فهمیدن کامل اطلاعات مرتبط هنگام معاشرت درباره ی چشم انداز (دورنما) آینده بانک، مشکل است. سرانجام، بانک ها بسیار مرتب و قابل تنظیم هستند. در ایالات متحده، بانک ها در معرض بررسی دقیق فدرال سپرده شرکت بیمه (FDIC)، هیات مدیره فدرال رزرو و دیگر سازمان های دولتی هستند. مقررات فعالیت های بانکی را محدود کرده و دیگر شرایط را تحمیل می کنند. برای مثال بانکها موظف به حفظ حداقل سرمایه هستند و تا اواخر ۱۹۹۰، اجازه شرکت در صدور اوراق بهادار را نداشتند. علاوه بر آن، دولت ها در بعضی کشورها بیمه